

در چنگال نیروی جادوئی تبلیغات

تبلیغات ۱ چه نیروی جادوئی عجیبی است . یکمک این نیروی جادوئی و سزاره توانست دهها هزار سرباز روس را برده بردگانی که به دعبری «اسپارتاکوس» قیام کرده بودند بسیج کند

بکمال این نیرو عینلر توانست ملیونها جوان مفرد آلمانی را تحت عنوان ننگین و فضیحت یاری مسلح کند . و شاید پس از جنگ دوم جهانی بود که سرمایه داران طماع مشو چشمه ند که با کمک تبلیغات مداوم می توان ملت ها را فریب داد . می توان حتی جنگل ترین اجناس را آب کرد . می توان در عمق اندیشه مردم نفوذ نمود و آنها را سویت حیوان های بی اراده ای در آورد .

در کشورهای افریقائی حکومت ها فهمیدند که با کمک تبلیغات می توان مردمی که در بدترین شرایط زندگی بسر می برند تا بین گرد که مردمی خوشبختند و سرمایه داران فهمیدند که با یاری تبلیغات می توانند خرساعت میادونها تومان جیبی سرانذر کنند و استفاده از اختراعات جدید و خصوصاً تلویزیون و رادیو یکی از بهترین طرق تبلیغات و تحقیق مردم است و در بعضی از کشورهای آسیائی هم که وضع معلوم است .

حالا بپندیدید بهیچ هروقت که تلویزیون خود را که هنوز اقساط آن تمام نشده روشن میکنند با آگهی و تبلیغات مواجه میشوند و این تبلیغات یا سویت مسابقات خوشی است و یا نمایش نامه ای که قهرمانان آن نوا به محسوس می نهند و مسابقات تلویزیونی معمولاً یک شرکت کننده از دنیا می خرد در مسابقه شرکت میکند (البته با کمال احتیاط) و وقتی مثلا از او پرسیدند اسم ناپلئون در جنگ و او را نوا چه بزرگ بود او پاسخ داد منمیدم . چندان افتخار او کم میزند و آنوقت کارگردان مسابقه باین قهرمان خوش و معلومات ، یک سینه سرخ روی پا سایون از کارخانه زهر مار ۱ جایزه میدهد .

سرمایه داران نه تنها مردم عوام بلکه گاهی اوقات استادان دانشگاه را هم آلت دست می کنند . و آنان خرج تبلیغات را که می توان گفت سرمایه آور است از جیب مبارک خود نمی پردازند بلکه از خریه داران بیچاره ای بگیرند که تحت تأثیر تبلیغات کاذب آنها قرار می گیرند

روسی از دهها بر نامه تلویزیونی میروند تا یک حسی قطعی دیگری بخورد . همان حسی که در تلویزیون از آن تبلیغ شده است و به این ترتیب می بینیم که این بر نامه ها گذشته از تحقیق خلاق ، زندگی خانواده ها و اعتماد بیمار خانوادهاست و مستوطا در خطر اعتلاشی شدن قرار می دهد .

و اینها که گفتیم یک طرف قضیه بود . طرف دیگر قضیه را بهین تا بدانی با حمایت این موجودات نجاری (شرکت کنندگان در مسابقات تلویزیونی) چه کلاه بزرگی بر سرت درفته است هیچ فکر کرده ای این همه فیلم که در تلویزیون نشان میدهند و صحن آن قطعه دقیقه آگهی دارد چقدر خرج بر می دارد . هیچ به خیالتان خطور کرده است که این بر نامه ها و تبلیغ و بخش های کلان خرج دارند . همه این خرجها روی قیمت اجناس میروند و مصرف کنندگان هر بار قیمت و تا دهها آخر آنرا می پردازند . وقتی توشی زهر مار سکه طلا و یا پول نقد و یا چیز های دیگر میدهند مصرف کننده باید بداند که در برابر آنرا پرداخته است !

از طرف ۲ این فیلمها چه احساس را تولید میکنند ؟ بیشترشان شرح اعمال جنایتکاران است که در اکثر آنها مردمان پیروز است و با اگر مغلوب پلیس میشود به صورت شرافتمندانه و با اقتدار میبرد . چون نقش تبه کار و ستاره قویتری بازی می کند تا تأثیر اعمال او هم بیشتر است . از اینرا همه تماشاچی تلقین میشود که قانون جنگل اساس کار جامعه است و بهتر است مدنی با پول و منال زندگی کرد تا با عسری بی پولی ساختن و زندگی شرافتمندانه داشتن (۱) خلاصه آنکه می بینیم همه چیز و همه کس در دایره ای که جادوی تبلیغات تنیده است اسیرند فلان بانک که خود در احوال ورشکستگی می بیند حتی از احساسات نوع دوستی مردم هم استفاده تبلیغاتی میکند و از مردم می خواهد که پولی که بر ای زلزله زدگان جمع کرده اند حتماً بفلان شنبه از فلان بانک بریزند !

تبلیغات فقط در بر نامه های تلویزیونی و رادیویی و مسابقات روزنامه و مجلات محدود نمیشود . بلکه وقت خیر میثوی که می بینی سرمایه داران حتی ورزشکاران و ورزش دستاورد هم آلت دست گردمانند . مثلا در مسابقه حمام دوستی ، مردم به امید دریافت فلان اتومبیل مجبور بودند از شنبه های فلان بانک بلیط بخرند و در هنگام دیدن مسابقه به تبلیغات فلان کارخانه پنجگانه سازی و سایرین سازی و کوفت و زهر مار گوش دهند .

سینما هم که کارشان معلوم است . یک فیلم دو ساعته را با آگهی های زیاد در اول و وسط در هم میکنند و چون مدت نمایش با وجود این همه آگهی زیاد میشود بلیط را به دو برابر قیمت می فروشند ! و آنها چه فیلمهایی ! فیلم هایی که حتی مفسرین سینمایی مطبوعات که

(۱) - مجله فردوسی شماره ۸۹۱ دوم دی ماه ۱۳۴۷

سالها مبلغ فیلمهای سینمایی بودمانند در مقابل این همه ذلت اعتراض میکنند - (۱) یکی از مفسران سینمایی که خطراتا در چند قسمی خود احساس کرده و گوئی تازه متوجه شده است که فیلمهای سینمایی چگونه فضیلت و معنویت دارد بین عیبد و انسان را بیک حیوان خون آشام و وحشی مبدل میکند در یکی از مقالات خود تحت عنوان «کشف لطایف کشتن» مینویسد:

«و گویا بسیاری نقش گرالی (آهم به شکل بی‌نعمق و خیلی جسمی و فریبری) از خواص اجتماعات خیالی در فرقه و شکم‌سیر باشد... اما برای جامعه جوان ما که سطح زندگی اش دارد کم کم بالا میرود این عارضه زیاد اذیت‌ناپذیر و مناسب نیست. نگاه من کنیم به فیلم‌های قدیم و فیلم‌های که گوئی می‌خواهد خلاصه نیاز به یک خونریزی جهانی را پر کند. فیلم‌های وحش و خون‌آلود که فعلا در سینمای آمریکا تکامل روز شده است.

این فیلم‌ها شاید تصویر کثیفه اوضاع و احوال دور باشد ولی نمایش این فیلمها مسلماً اثر بدی دارد.

سحنه‌های این فیلمها سرسبز خون و قتل، و با لفت گلواره نوبی شکم‌سیر خالی کردن، و انگشت نوبی چشم بر پیر برون و همه اینها را بوحشی و هیجانانگیز و و لذت بخش محسوس کردن می‌باشد نویسنده مزبور سپس با اشاره به آنکه که کودکان خود را از تماشاای این فیلمها منع کنند.

و حقیر به این مفسر محترم عرض میکنم که بیاید به جوانی که آن خانواده‌هایی که کودکانشان خود را برای تماشاای این فیلمها فرستاده‌اند و یا آنرا ایشان را می‌خواهند و تازمیاگر بخوانند به آن پرداخته بپردازند و او سوره آنرا در کتابخانه و با هر تبحر و با دست کم و غیر متجدده بچها بدهند. و اگر فرض کنیم که مقاله ایشان را بکنند و کودکانشان و جوانان به تماشاای این فیلمها بروند فکر میکنید در خانه به هم میکنند و در خانه می‌نشینند و به تماشاای آگهی‌ها و فیلمهای مبتذل تلویزیونی می‌پردازند.

و حقیر اکنون به روحانیان آمریکایی می‌گویم و درودها را بفرستید به روحانیانی که باینش محسوس از سالها قبل به عقاید ابدیه توجه کنند گمان این بود که فیلمها بی‌بره روحانیانی که با چشم تیز بین خود طوفان و حشمتك ردالجهانی اخلاقی را از افق‌های دور دست دید و مردم هشدار داد و چه خوشبخت بودند و هستند خانواده‌هایی که به آن هشدارها توجه کردند. و چه چاره‌مانند خانواده‌هایی که تحت تأثیر و وسوسه‌های دوزخ‌زدگی قرار گرفتند و خود را در دام حشمتك سرمایه‌داران و سازمانهای عریض و طویل آگهی‌ها (که نفس و اسطفا باریس گشتند) اسیر کردند. من با قاطعیت می‌گویم که برای نجات و رهایی خوبی باید به سوی معقب و روحانیت بازگردند. روحانیانی که با آنها اعلام کرده‌است که از وسایل و اختراعات جدید نباید دور راه خبر و سعادت انسانها استفاده کرد. بعد راه پر کردن جیب سرمایه‌داران طماع.

(۱) رجوع کنید به مقاله کشف لطایف کشتن و محفل میبند و سیاه شماره ۷۵۸ قسمت سینمایی.